یادداشت

معمای آغاز سال تحصیلی

محمد الهی

کارشناس آموزش و پرورش

تعطیلات تابستانی دانش‌آموزان در حالی شروع شده که این روزها خبرهای ضد و نقیضی از بازگشایی یا عدم بازگشایی مدارس در مهرماه آینده، از طرف وزیر و معاونان آموزش و پرورش به گوش می‌رسد؛ اتفاقی که بسیار تعجب‌برانگیز است. چراکه این صحبت‌ها در حالی انجام می‌شود که بعید به نظر می‌رسد وزیر کنونی آموزش و پرورش، در دولت بعدی که از مردادماه پیش‌رو آغاز به‌کار می‌کند، همچنان سکان هدایت آموزش و پرورش را برعهده داشته باشد. درواقع سوالی که در این میان مطرح می‌شود، این است که وقتی قرار است این تصمیم در دولت بعدی گرفته شود، چه لزومی دارد که در شرایط فعلی درباره آن صحبت شود؟ در چنین شرایطی صحبت‌های متناقض برخی مسؤولان آموزش و پرورش، در کنار آمار مبتلایان به کرونا که همچنان در وضعیت نامناسبی قرار دارد، باعث شده اضطراب و استرس معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان بیشتر شود.

درواقع این روزها ثبت‌نام دانش‌آموزان در حالی انجام می‌شود که والدین بسیار نگران وضعیت و چگونگی برگزاری کلاس‌های درس در مهرماه پیش‌رو هستند.

در چنین شرایطی، سوال این است که اگر فرض را بر این بگیریم که واکسیناسیون معلم‌ها انجام شود و با تدابیر دولت، آمار قربانیان کرونا کنترل‌شده و حتی دو رقمی شود، آیا حاضر به فرستادن فرزندان‌مان به مدرسه هستیم؟ این سوالی است که پاسخ بسیاری از والدینی که به ما مراجعه می‌کنند، به آن منفی است و معتقدند که تا ریشه‌کن شدن کامل این بیماری، تمایلی به حضور فرزندان‌شان در مدارس ندارند.

موضوعی که البته منطقی به نظر می‌رسد؛ چراکه طبیعتا تا زمان آغاز سال تحصیلی جدید، کل جامعه واکسینه نشده و دانش‌آموزان می‌توانند ناقلان خاموش این بیماری باشند. به‌خصوص در مقطع ابتدایی که بچه‌ها خیلی درکی از مراعات مسائل بهداشتی ندارند. آنها از وسایل مشترک یکدیگر استفاده می‌کنند و با همدیگر تعامل دارند.

یعنی هرچقدر هم که پروتکل‌های بهداشتی در مدارس رعایت شود، باز هم نمی‌شود برای تک‌تک دانش‌آموزان مراقب گذاشت و کنترل‌شان کرد. این همان نگرانی بزرگی است که والدین در این روزها و با شنیدن اظهارنظرهای مختلف مسؤولان آموزش و پرورش با آن روبه‌رو شده‌اند و نمی‌دانند که قرار است برای آینده و سرنوشت فرزندان‌شان چه تصمیمی گرفته‌شود.

بدیهی است که حضور نیافتن دانش‌آموزان در مدرسه، آسیب‌هایی جدی، آن هم نه در بحث آموزش، بلکه در موضوع تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباطات به بچه‌ها وارد کرده و به انزوا می‌روند. اما با این وجود، هیچ سرمایه‌ای بالاتر از سلامت و نیروی انسانی، در جامعه وجود ندارد. برای همین است که ما حق نداریم با تصمیماتی لحظه‌ای و بدون فکر، سلامت دانش‌آموزان را به خطر بیندازیم. تصمیماتی که عوامل دخیل در اجرایی شدن آنها، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارند و هر اظهارنظری، می‌تواند پیامدهایی جبران‌نشدنی به همراه داشته باشد.

در نهایت این‌که این موضوع، به سلامت، تحصیل و آینده کودکان و نوجوانان این مملکت گره خورده است؛ برای همین است که خانواده‌ها نگرانی زیادی از این بابت دارند و هر جمله و اظهارنظری می‌تواند دلهره آنها را در این مقطع اضافه کند. به نظر می‌رسد که بهترین کار این است که فرصت بدهیم دولت آینده دراین‌باره تصمیم‌گیری کند تا دانش‌آموزان و خانواده‌ها، بیشتر از این سردرگم نشوند. ضمن این‌که به نظر می‌آید بهتر است مسؤولان آموزش و پرورش در این فرصت کوتاه باقیمانده از دولت دوازدهم، بیش از هرچیز انرژی‌شان را بر سر بررسی نقاط ضعف و قوت آموزش آنلاین و برنامه شاد که دانش‌آموزان در طول یك سال گذشته از آن استفاده کرده‌اند، بگذارند تا با اجرایی شدن هر تصمیمی در این رابطه، خیال‌مان بابت داشتن بستری مطمئن و کارآمد برای آموزش آنلاین، تحت هر شرایطی آسوده باشد.

۹۲ شهر در وضعیت قرمز کرونا

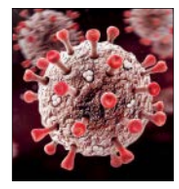

آخرین رنگ‌بندی شهرهای کشور از نظر شیوع ویروس کرونا از سوی وزارت بهداشت منتشر شد و بر این اساس ۹۲ شهرستان در وضعیت قرمز، ۱۸۳شهرستان در وضعیت نارنجی و ۱۷۳ شهرستان در وضعیت زرد کرونایی قرار دارند. براساس گزارش وزارت بهداشت، شیوع سویه‌های جدید ویروس و کاهش سطح مراقبت‌های بهداشتی باعث آغاز خیز پنجم کرونا در کشور شده‌است. حضور در مراکز پرازدحام، صرف غذا در رستوران‌ها و تالارهای سرپوشیده و سفر با وسایل نقلیه‌عمومی که تهویه هوای مناسبی ندارد از جدی‌ترین عوامل انتقال بیماری است. وزارت بهداشت اعلام کرد: بعضی شهرستان‌های قرمز با انتشار ویروس هندی و آفریقای جنوبی مواجه هستند و در صورت رعایت نشدن پروتکل‌ها، احتمال شروع موج جدید کرونا جدی است. اسلامشهر، بهارستان، پاکدشت، پردیس، تهران، دماوند، ری، شمیرانات، فیروزکوه، قرچک و ورامین در استان تهران در شرایط قرمز قرار گرفته‌اند. / ایرنا

آرامستان بهشت محمدرسول... شلوغ‌ترین روزهایش را تجربه می‌کند / عکس: میزان

گزارش میدانی از سیستان و بلوچستان؛ استانی که هر ۹۰ دقیقه یک نفر در آن بر اثر ابتلا به کرونا دلتا فوت می‌کند

انفجار کرونا در سیستان و بلوچستان

میثم اسماعیلی

جامعه

نشسته بودم توی برجک نگهبانی پادگانی در حاشیه یکی از شهرهای شمالی، خیره به عقربه‌های ساعت تا شیفت دو ساعته نگهبانی را تحویل سرباز بعدی بدهم، داشتم از یک سوله محافظت می‌کردم که جیغ مرغ دریایی بالای سرم مرا به حد جنون ترساند. چند دقیقه هاج و واج سلاح را به سینه‌ام چسباندم و از ترس توان حرکت نداشتم. این اولین باری بود که ترس تمام وجودم را گرفت، هراسی که مثل خون در رگ‌هایم خیلی زود به تمام بدنم سرایت کرد. بعد از ۱۵سال دیروز وقتی از دور تجمع خانواده‌های داغدار در صف غسالخانه بهشت محمدرسول‌ا... زاهدان را دیدم همان ترس قدیمی دوباره ریخت توی وجودم. نه جیغ مرغک دریایی که سفیر مرگ، بوی نیستی و ازدحام عزا بود که این ترس را ساخت. پس از یک سال و نیم از گذشت فراگیری کرونا و عادت به پوشش اخباری از این دست، حالا در آستانه آرامستان اصلی زاهدان بهت‌زده خیره مانده‌ام به این حجم غریب سوگوار، نشسته به انتظار اجساد عزیزان‌شان. صدای مویه‌ها گم شده توی بادی که خاک قبرها را بلند کرده، عزا اما در این خاک اتفاق نیست، عادت است؛ سال‌هاست که دارد تکرار می‌شود. تکرارِ نیستی امسال نامش کرونای هندی است. ویروسی که تخت‌های بیمارستانی را نایاب کرده و گورستان‌ها را شلوغ. قطعی مکرر و طولانی برق در گرمای خشک و سوزان این شهر، کمبود آب و گاز، نبود زیرساخت‌های معمول بهداشتی و بی‌توجهی به رعایت پروتکل‌ها به دلیل آنچه نامش محرومیت است باعث شده وضعیت کرونا در این شهر را با پیوست «سونامی» و «فاجعه» بخوانند.

تناقض تکراری آمارها

تصویر پیشِ چشمم با آنچه از رسانه‌ها می‌توان دریافت، تفاوت‌های بسیاری دارد. خیلی زود می‌فهمم وضعیت پیش‌رو بهترین وضعیت ممکن است، وگرنه در شهرهای کوچک‌تر اوضاع به مراتب بدتر است. صالح مومن، نیروی جهادی فعال منطقه وقتی هراسم از شکل آخرالزمانی غسالخانه را متوجه می‌شود، تلخندی می‌زند و از من می‌خواهد در حاشیه دیوار غسالخانه نفسی بگیرم. در پناه سایه داغ نیمروز آرامستان زاهدان می‌نشینم پای حرف‌های صالح مومن، نیروی جهادی که از همان ابتدای فراگیری کرونا به صورت داوطلبانه به غسل اجساد کرونایی این منطقه مشغول است. می‌گوید فقط تا عصر دیروز ۱۸جنازه را غسل داده و وقتی شیفتش تمام شده هنوز چهار جنازه در صف بوده‌اند. همین روایت دست اول هم تناقض آشکاری با آمارهای رسمی دارد، رئیس دانشگاه علوم پزشکی زاهدان می‌گوید در ۲۴ساعت گذشته ۱۴فوتی در مراکز درمانی سیستان و بلوچستان ثبت شده است. دریافت ابتدایی‌ام از اوضاع این است که آمارها و گفته‌های مسؤولان، روایت ساده شده اوضاعی است که جریان دارد.

یک شهر با ۲ پزشک

صدای داد و فریاد پشت غسالخانه بالا گرفته، صالح می‌دود پی صدا، به من می‌گوید: همان‌جا بمانم. در همان فاصله سری به فضای مجازی می‌زنم، تصویر سردخانه بیمارستان زاهدان دارد دست به دست می‌شود، صالح که برمی‌گردد عکس را نشانش می‌دهم و می‌پرسم اینجا واقعا سردخانه بیمارستان بوعلی است؟ نه محکمی می‌گوید و می‌خندد. می‌گوید «سردخانه زاهدان اینقدر تمیز و مجهز نیست که در این عکس نشان داده شده وگرنه حجم جنازه‌ها بیشتر از این عکس نباشد کمتر نیست!» از همین عکس بحث‌مان به زیرساخت‌های بهداشتی می‌کشد، صالح می‌گوید: «حرف از محرومیت استان حرف تازه‌ای نیست، از زیر پای این مردم لوله‌های گاز از عسلویه به پاکستان کشیده شده اما همین مردم از داشتن آن محرومند، طرح انتقال آب چابهار مطرح است اما همین مردم آب ندارند. وقتی آب و گاز و برق نداریم چرا باید انتظار زیرساخت بهداشتی داشته‌باشیم.» وضعیت زیرساخت‌های بهداشتی و پزشکی آنقدر وخیم است که حتی به آمارهای ساده‌شده رسمی هم کشیده شده، استاندار سیستان و بلوچستان می‌گوید: «۱۰شهرستان سیستان و بلوچستان بیمارستان ندارد و بعضا نیاز است فرد برای درمان و رسیدن به بیمارستان بیش از ۱۰۰کیلومتر را طی کند» آن‌طور که محمدعلی موهبتی گفته «در یک شهرستان ۵۵هزار نفری فقط دو پزشک عمومی وجود دارد؛ مراکز بهداشت و درمانی داریم که خودرو ندارند و بین دو خانه بهداشت ما در استان ۱۲۵۰کیلومتر فاصله است!»

رعایت پروتکل، پول می‌خواهد

به شکل عجیبی میان خیل قابل‌توجه عزاداران در انتظار هم پروتکل‌های معمول از جمله استفاده از ماسک رعایت نشده‌است. امید برهان‌زهی جوان ۳۰ ساله‌ای است که آمده در پناه سایه دیوار غسالخانه سیگاری بگیراند. سر حرف را با او باز می‌کنیم. از همین ماسکی که مردم به صورت ندارند می‌پرسیم. داغ دیده است اما خوش‌برخورد و مردمدار. می‌گوید این شهر بالاترین درصد جمعیت جوان را دارد اما هیچ‌کدام‌شان کار ندارند. می‌گوید انتظار از مردم برای رعایت پروتکل‌های معمولی هم پول می‌خواهد، این‌که از جوانی با سه فرزند بخواهید در خانه بماند، انتظار درستی است اما همین آدم چطور می‌تواند نسخه ۴۰۰هزار تومانی داروهایش را با خانه نشستن فراهم کند؟ می‌گوید «بازار اصلی زاهدان را با پارک‌کردن اتوبوس و کامیون مسدود کرده‌اند، اما کارگر روزمزد به بازار کاری ندارد، درآمد روزانه نداشته‌باشد سفره‌اش خالی است.» دریافت بعدی‌ام از مصاحبت با مردم این است که کرونا برای آنها فقط یک بحران معمولی در پی بحران‌های دیگر است. همه حرف‌ها در رابطه با فاجعه انسانی در حال وقوع در این استان می‌کشد به دیگر محرومیت‌های آنها. نبود آب، ریزگردهایی که سال به سال بیشتر می‌شود، قطعی مکرر و طولانی برق، نداشتن گاز، کمبود کار و....

از کدام امکانات حرف می‌زنیم؟

بحران فراگیری کرونا در سیستان و بلوچستان حالا به یك تراژدی غمبار شبیه است، شرایط محدود به دیروز و امروز نیست. حالا یك هفته‌ای است که بسیاری داد از وضعیت موجود دارند و ایرج حریرچی، معاون وزارت بهداشت و درمان پنجشنبه پا به بیمارستانی در زاهدان گذاشته، تصاویر و گزارش‌ها البته روایت صادقانه‌ای از شرایط سیستان و بلوچستان را حکایت نمی‌کند. او گفته این استان هرچه را لازم داشته باشد از تهران برایشان ارسال می‌کنند! این در حالی است که در یك فقره از آمارهای خود مسؤولان استانی، سرانه تخت بیمارستانی برای هر سیستان و بلوچستانی نصف متوسط کشوری است. وعده ایرج حریرچی در شرایطی است که به گفته یکی از پزشکان شاغل در این استان، تنها بیمارستان شهرستان دلگان حتی دستگاه سی‌تی‌اسکن ساده هم ندارد و اگر کسی نیاز به تست ریه داشته باشد، باید ۱۲۰ کیلومتر طی کند تا در ایرانشهر فقط تست ریه بدهد. آن‌طور که او می‌گوید، کرونا در این استان در هر ۹۰ دقیقه یك قربانی می‌گیرد و در هر ساعت تست، ابتلای ۵۰ نفر مثبت می‌شود. او ادعا می‌کند در هفته گذشته فقط ۱۱۸ نفر در شهر زاهدان به علت ابتلا به کرونا جان خود را از دست داده‌اند.

احتمال وقوع یك فاجعه انسانی

نه که فقط آمارهای رسمی تناقض آشکاری با شرایط موجود داشته باشد که این وضعیت از چشم اهالی بهارستان هم دور نمانده، اما آنچه میان گلایه نمایندگان مجلس و مردم این سرزمین مشترك است، این‌که صدای هیچ‌کدام از آنها به گوش کسی نمی‌رسد. معین‌الدین سعیدی، نماینده مردم چابهار در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «وضعیت کرونا در سیستان و بلوچستان، مرز تراژدی را رد کرده و در حال تبدیل شدن به یك فاجعه انسانی است. وزیر بهداشت که اعلام می‌کند ایران آمادگی تأمین واکسن برای کشورهای مستضعف را دارد، بهتر است اول نگاهی به مردم مظلوم سیستان و بلوچستان بیندازد.» عبدالناصر درخشان، نماینده ایرانشهر هم در توییتی نوشته است: «دردناك نیست که هموطنان‌مان در سیستان و بلوچستان به خاطر کمبود اکسیژن و ونتیلاتور، جان خود را از دست بدهند؟» خیلی‌ها می‌گویند به دلیل کم بودن مراکز غربالگری رایگان کرونا در سیستان و بلوچستان، آمار کرونا بالاتر از آن چیزی است که اعلام می‌شود.

سرگشته میان گورستان

آفتاب رفته، گرما مانده و نسیمی که می‌خورد توی صورتم، نشانی از خنکی غروب را ندارد. شهر از همان جنبش نیم‌بند معمولی روز هم خالی است، از ازدحام برخی از مغازه‌های شهر، می‌توان متوجه شد که محل این تجمع یا یك مرکز درمانی است یا داروخانه. جای دیگری نمی‌توان چنین ازدحامی را به چشم دید. در روزهایی که حرف از نوبت واکسیناسیون در سراسر ایران است، حالا پویش‌های مردمی با عنوان «نذر ماسك» برای تهیه لوازم محافظتی و مواد ضدعفونی، برای اهالی این استان شکل گرفته است. شهریور سال گذشته، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس که نماینده این استان هم هست، گفته بود: «۶۰ درصد مردم سیستان و بلوچستان توان خرید ماسك ندارند.» همان روزها ایرج حریرچی هم اعلام کرده بود متوسط استفاده از ماسك در این استان ۴۸ درصد و متوسط کشوری در این زمینه ۷۵ درصد است. همه این آمارها در حالی است که دیروز مسعود مردانی، متخصص بیماری‌های عفونی و عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا گفته تنها راه پیشگیری از ابتلا به دلتای هندی «رعایت پروتکل‌ها، استفاده از ماسك، شست‌وشوی دست‌ها، عدم شرکت در تجمعات و فاصله‌گذاری اجتماعی است.» وضعیت در سیستان و بلوچستان از توصیه به در خانه ماندن و هشدار به استفاده از لوازم محافظتی گذشته است، بسیاری از مردمان نجیب این سرزمین، حالا در مواجهه با این بیماری درپی درمان نمی‌روند و سراغ از قبر خالی می‌گیرند. در این روزهای سخت سیستان و بلوچستان بسیاری از مردم می‌پرسند چگونه منطقه‌ای که در پیک‌های اول تا چهارم ابتلا به کرونا کمترین آمار مبتلا را داشته و به نوعی سفید بوده است با این حجم بالای ابتلا مواجه است؟ آیا مقاومت ژنتیکی مردم این استان در مقابل ویروس جهش‌یافته هندی پایین آمده است یا همسایگی این استان با کشور پاکستان و رفت‌وآمد تجار به پاکستان و هند روند ابتلا را گسترده کرده است؟ به همه اینها جغرافیای وسیع استان را هم باید اضافه کرد. این یعنی بخش عمده‌ای از ابتلاها هنوز شناسایی نشده است.

مبتلایان بی‌شمار و دغدغه مدیران

رکسانا سرابندی، دانشجوی رشته دامپزشکی ساکن زابل است، یکی از دوستان قدیمم که وقتی تماس می‌گیرم تا بگویم آمده‌ام، برایم پیام می‌فرستد مبتلا شده و توان و نفس حرف زدن ندارد، مجید لشکری هم شاعر ساکن زاهدان است، تماس که می‌گیرم می‌گوید بیشتر اقوام و خانواده درگیر شده‌اند و دل و دماغی برای توضیح ندارد. صالح مومن هم که همپایم بوده حالا در شلوغی غسالخانه بهشت محمدرسول‌ا... زاهدان پی انجام کارهاست. از همین جمعیت آشنای دور و برم متوجه گسترده بودن دامنه فراگیری کرونا در شهر می‌شوم. امید برهان‌زهی هم در میانه سیگارهای متوالی‌اش می‌گوید در یکی از کانال‌های خبری بومی خوانده که نزدیک به ۴۰ درصد مردم مبتلا شده‌اند! این یعنی وضعیت کنونی فاجعه‌ای است که تازه آغاز شده و هنوز به قله نرسیده‌است. در میانه این اوضاع اما ویدئوی استاندار سیستان و بلوچستان رسانه‌ای شده، ویدئویی که در آن استاندار سیستان و بلوچستان خبرنگار را «فاقد شعور» می‌خواند چراکه در قاب تصویر تلویزیونی، او را کنار «معاون وزیر» نشان نداده‌است! سطح دغدغه مدیری که قرار بوده پلی باشد برای حل مشکلات مردمی که حالا در صف مرگ به‌انتظار نشسته‌اند.

خبرنگار جام جم از بیمارستان بوعلی زاهدان گزارش می‌دهد، بیمارستانی که این روزها به دلیل شیوع کرونا شرایط ناگواری را تجربه می‌کند

کمبود تخت، کمبود دارو

مجتبی طباطبایی‌زاده

جام جم سیستان و بلوچستان

جا برای سوزن انداختن نیست، کادر درمان و همراهان بیماران، مدام این طرف و آن طرف می‌روند. ازدحام جمعیت به حدی است که نمی‌توان به‌راحتی از راهروهای بیمارستان عبور کرد، چراکه برای بستری کردن بیماران در راهروهای بیمارستان نیز تخت نیست، بیماران زیادی را می‌توان روی این تخت‌ها دید که به کمك دستگاه اکسیژن نفس می‌کشند، صدای سرفه و خس خس سینه این بیماران فضای بیمارستان را پر کرده است، اینها گوشه‌ای از شرایط بیمارستان بوعلی زاهدان است، شهری که این روزها به دلیل طغیان کرونا در شرایط قرمز قرار گرفته است. هرچند برخی مقامات استانی ادعا می‌کنند شرایط استان بحرانی نیست، اما آنچه در مراکز درمانی و آرامستان‌ها می‌گذرد، شرایط متفاوتی از استان را به تصویر می‌کشد. شرایطی که برای عبور از آن به توجه ویژه مدیران پایتخت‌نشین نیاز است. سیستان و بلوچستان در معرض یک بحران انسانی قرار دارد. اتفاقی فراتر از یک هشدار.

آمد و شد افراد در بیمارستان بوعلی زاهدان کاملا کنترل‌شده است. هرشخصی اجازه تردد به بخش‌های عفونی را ندارد، مگر این‌که بیمار باشد یا همراه بیمار. دور تا دور محوطه به وسیله فنس‌های فلزی محصور شده است. گوشه‌ای از حیاط بیمارستان حدود ۱۰ مرد که لباس سیاه به تن دارند، کز کرده‌اند و هرازگاهی صدای ناله و گریه‌شان توجه همه را به خود جلب می‌کند. با رعایت کامل شیوه‌نامه‌های بهداشتی وارد سالن بیمارستان عفونی بوعلی زاهدان می‌شویم، شرایط ناگوار بیمارستان از همان ابتدای ورود به چشم می‌آید، جلوی در ورودی هم تخت‌های بیمارستانی تعبیه شده است. تخت‌هایی که روی همه آنها بیمارانی خوابیده‌اند که نفس کشیدن برای‌شان دشوار است.

ازدحام مراجعه‌کنندگان در وسط سالن سبب می‌شود تردد برای دقایقی قفل شود. پرستاران مشغول رسیدگی به یك بیمار بدحال هستند، بیماری که صدای خس‌خس سینه‌اش اطرافیان را به وحشت انداخته است. سالن را پشت‌سر می‌گذاریم و به راهرو و اتاق‌ها سرك می‌کشیم؛ با اتاق‌هایی پر

از بیمار روبه‌رو می‌شویم، هرچند برخی اتاق تخت خالی دارند، اما تعداد بیمارانی که نفس کشیدن‌شان وابسته است به دستگاه‌های اکسیژن، قابل توجه است.

در جست‌وجوی تخت خالی

همراهان زیادی در راهروی بیمارستان دیده می‌شوند، این در حالی است که وزارت بهداشت بارها اعلام کرده همراهان بیمار اجازه ورود به بخش بیماران مبتلا به کرونا را ندارند. یکی از این همراهان، مرد جوانی است به اسم حسن، او به ما می‌گوید: «یك هفته است که پدرم در این بیمارستان بستری شده و من به‌ناچار هر روز باید برای رسیدگی به وی به اینجا مراجعه کنم.» او اضافه می‌کند: «شرایط بسیار سختی دارم، به دلیل این بیماری، دیگران از من فراری هستند. اما چاره‌ای جز تحمل نیست.» حسن نیز مانند بسیاری از بیماران دیگر برای یافتن تخت خالی و بستری کردن پدرش با مشکل روبه‌رو شده است، چون تعداد بیماران مبتلا به کرونا در شهرشان زیاد است. او عنوان می‌کند: «روز اول با سختی و تلاش بسیار، موفق به گرفتن پذیرش و تخت خالی شدیم، البته اکنون در اورژانس بیمارستان بوعلی چند تخت خالی شده است.» آن طور که او می‌گوید با مرگ بیماران یا ترخیص آنها، تخت خالی می‌شود و در اختیار دیگر بیماران قرار می‌گیرد.

در جست‌وجوی دارو

در بیمارستان بوعلی، پرستار و پزشکان زیادی را می‌توان دید که گان‌های آبی به تن دارند و شرایط بیماران را بررسی می‌کنند. اما تعداد بیماران خیلی بیشتر از آنهاست، بیمارانی که تعدادی از آنها همچنان در راهروی بیمارستان نگهداری می‌شوند.

براهویی، جوان ۳۲ ساله‌ای است که در راهروی اورژانس بیمارستان بوعلی زاهدان روی یك تخت دراز کشیده است، او با دستگاه اکسیژن نفس می‌کشد و منتظر است تا کادر درمان او را به اتاقی منتقل کنند. از براهویی درباره دلیل بیمار شدنش می‌پرسیم، او به ما می‌گوید: «من اعتقادی به ماسك نداشتم و بدون رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در شهر تردد می‌کردم، اما از سه روز پیش دچار تنگی نفس و سرفه شده‌ام و به همین دلیل به بیمارستان آمده‌ام.»

وقتی از مرد جوان درباره مشکلات موجود می‌پرسیم، به کمبود دارو و برخی تجهیزات اشاره می‌کند و می‌گوید: «برای تهیه اکسیژن و برخی داروها همراهانم مجبور هستند تمام داروخانه‌های شهر را جسست‌وجو کنند تا داروی مورد نیاز را پیدا کنند.» این درحالی است که مسؤولان وزارت بهداشت و درمان بارها اعلام کرده‌اند که فرستادن بیمار یا همراه بیمار برای تهیه دارو به خارج از بیمارستان، تخلف محسوب می‌شود.

بخش سرفه‌های خشك

اعضای کادر درمان بیمارستان بوعلی نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند تا بیماران مبتلا به کرونا را نجات دهند. تلاش آنها در جای‌جای بیمارستان به چشم می‌آید. این درحالی است که برخی بیماران خیلی دیر به بیمارستان مراجعه می‌کنند و همین بی‌توجهی، سبب می‌شود شرایط‌شان ناگوارتر شود و بسیاری از آنها در بخش‌های ویژه بیمارستان بستری شوند.

روی سکویی که در کنار بخش آی‌سی‌یوی مردان بیمارستان بوعلی قرار دارد، پرونده بیماران زیادی روی هم چیده شده است، سالن آی‌سی‌یو هم پر از بیماران مبتلا به کرونا است، بیمارانی که صدای خس‌خس سینه و سرفه‌های خشك‌شان فضا را پر کرده است. کمبود تخت آی‌سی‌یو یکی از مشکلات جدی در سیستان و بلوچستان است، مشکلی که زندگی بیماران را تهدید می‌کند. هرچند برخی مسؤولان استانی ادعا می‌کنند استان با کمبود و مشکلی مواجه نیست، اما برخی گروه‌های جهادی برای حل این مشکلات فراخوان داده‌اند. طاهری، مسوول یکی از گروه‌های جهادی فعال در زاهدان است. او و همکارانش تلاش می‌کنند با تهیه برخی تجهیزات پزشکی کمك‌حال کادر درمان باشند. آنها با انتشار فهرستی بلند از اقلام مورد نیاز بیمارستان‌ها در فضای مجازی، خیران را به خرید و تهیه اقلام بهداشتی تشویق می‌کند.

طاهری به ما می‌گوید: «تلاش می‌کنیم کمبودهای کادر درمان را بر طرف کنیم، به همین دلیل از شهروندان تقاضا داریم به ما برای تهیه تجهیزاتی مانند کپسول اکسیژن، ماسك، گان و محلول‌های ضدعفونی کمك کنند.»